

نقش جذب حداکثری و دفع حداقلی در جلوگیری از انحرافات دینی
بر اساس آموزه های نهج البلاغه

فاطمه رضائی* غلامرضا خوش نیت**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

چکیده

سیره عملی امامان معصوم (علیهم‌السلام) به ویژه امام علی (علیه‌السلام) یکی از مهمترین منابع برای دستیابی به آموزه‌های دینی در زمینه نقش جذب حداکثری و دفع حداقلی در جلوگیری از انحرافات دینی است. بدین سبب پی بردن به این عوامل از سوی علی (علیه‌السلام) به لحاظ برخورداری آن حضرت از فرصت تشکیل حکومت و مواجهه با گرایش‌های فکری و عقیدتی مختلف از اهمیت فراوانی برخوردار است. این مقاله با محوریت کتاب شریف نهج البلاغه و به کارگیری روش کتابخانه‌ای در گردآوری از منابع دست اول، و شیوه توصیفی تحلیلی در تجزیه و تحلیل داده‌ها، به بررسی نقش جذب حداکثری و دفع حداقلی در اندیشه و سیره امام علی (علیه‌السلام) پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که عواملی همچون مهرورزی، انتقاد پذیری و مشورت، آزادی و کرامت انسانی، عدالت ورزی و مدارا در جذب حداکثری و دوری از فخرفروشی، طمع ورزی و تبعیض‌های مادی، تقلب و نفاق، تعصبات ناروای مذهبی و جهالت و بدبینی در دفع حداقلی جهت جلوگیری از انحرافات دینی نقش بسیار ویژه‌ای ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی

امام علی، جذب حداکثری، دفع حداقلی، انحرافات دینی، آموزه‌های نهج البلاغه.

*. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.
fatemer13981366@gmail.com

r_khoshneyat@yahoo.com

** . استادیار دانشکده شهید محلاتی ره، قم، ایران.

مقدمه

برنامه رهبران الهی و پیشوایان دینی در مسیر دعوت و هدایت مردم به سوی عبادت پروردگار و زندگی سعادت‌مندانه، زمانی نتیجه بخش خواهد بود که با اقبال عمومی جامعه و گرایش حداکثری مردم مواجه شود. ماهیت این برنامه‌ها و شیوه‌های تربیتی و هدایتی آن دارای خصوصیات است که باعث شده است آنان با وجود موانع بسیار و مخالفت‌های سرسختانه، مأموریت‌های الهی خود را به درستی انجام دهند. در خصوص امام علی (علیه السلام) این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد. سیره عملی امام در قبال انحراف به صورت تعامل سیاسی و باهدف هدایت و جذب حداکثری بوده است. «نمی‌توان با فشار و زور نهال ایمان را دردل افراد جامعه نشانند. کاربست روش‌های متنوع مبارزه از سوی امیرمؤمنان (علیه السلام) با توجه به این نکته تربیتی اجتماعی است که نباید با عوامل مستبدانه و خودکامانه، جامعه را با خود همراه کرد. زیرا چنین حرکتی موجب پیدایش نفاق اجتماعی می‌شود.»، امین ناجی و دیگران، 1395، آن حضرت همواره کوشش می‌کرد با تبیین صحیح ماهیت دین و به کارگیری شیوه‌های مناسب تبلیغی، زمینه گرایش همگانی به دین را فراهم نماید تا بتواند از طریق شکل‌گیری اجماع عمومی بر محور دینداری از بروز انحرافات دینی جلوگیری نماید.

یکی از برنامه‌های اساسی امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود مبارزه با انحرافات دینی بود. آن حضرت مطابق شرایط حاکم بر دوران امامتش این امر مهم را به بهترین شیوه ممکن انجام دادند. احیای ارزش‌های اصیل اسلامی همراه با کاربست شیوه‌های موثر در مواجهه با جبهه‌های مخالف و انحرافات دینی بسیار که میراث شیوه حکومتی خلفای پیشین بوده است از جمله ویژگی‌های برنامه‌ی هدایتگری علی (علیه السلام) بود. طمع‌ورزی و فزون‌خواهی، تعصبات ناروای مذهبی، بازگشت به شیوه‌های جاهلی، استکبار‌ورزی و تفاخر، نفاق و تقلب و فاصله‌طبقاتی و تبعیض‌های ناروا و غیره از جمله موارد انحراف از مبانی دینی زمان حضرت است. امام (علیه السلام) در مسیر تعامل با افراد منحرف برای مبارزه با انحرافات دینی با تکیه بر اصول الهی و انسانی مانند: مهرورزی، انتقادپذیری و مشورت، آزادی و کرامت انسانی، گسترش عدالت و برابری و احیای ارزش‌های اصیل دینی توانستند از انحرافات دینی جلوگیری نمایند. شکی نیست توفیق امام (علیه السلام) در این زمینه ناشی از کارکرد اصول و مبانی ویژه‌ای است که آن حضرت مورد استفاده قرار داده است. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که این عوامل کدامند؟ و نقش آن‌ها در جلوگیری از انحرافات دینی چگونه است؟

عمده کتاب ها و مقالاتی که با عناوین و موضوعات مشابه نوشته شده است از جنبه خاصی به موضوع پرداخته اند مانند چگونگی تعامل با مخالفان با رویکرد پذیرش مخالف و تحمل مخالفت ها و یا بررسی تئوری و مبنای نظری تبلیغ و هدایت امام علی (علیه السلام) در خصوص انحرافات اجتماعی و سیاسی و یا روش تعامل و تقابل حضرت با گروه های مخالف عقیدتی ویژه عصر امامت حضرت مانند خوارج، ناکثین و مارقین. به نظر می آید از چند نکته غفلت شده است، از جمله؛ تعریف روشن از زمینه های انحراف و معرفی حداقل های قابل دفع و شیوه برخورد با آن ها. به عنوان مثال اعظم و بیسمه در کتاب «تعامل امام علی (علیه السلام) با مخالفان»، ۱۳۹۷، به تبیین مبانی نظری حضرت علی (علیه السلام) در رفتار حکومتی اش با مردم و مخالفان پرداخته و ضمن معرفی مخالفان آن حضرت، مدارا و پرهیز از خشونت و پرداختن به حل منطقی اختلافات و در نهایت کارزار را به عنوان آخرین راه حل هابیان کرده است. محمدی ری شهری در کتاب «سیاست نامه امام علی (علیه السلام)»، ۱۳۹۱، با گردآوری و تنظیم متون حدیثی و تاریخی و تحلیل اجمالی آنها، درصدد فراهم کردن زمینه تدوین اندیشه سیاسی و سیاست عملی امام علی (علیه السلام) برآمده است. وی عدالت، صداقت، احقاق حقوق، حرمت نهادن به انسان، تأمین معاش و فراهم آوردن رفاه عمومی، امنیت، ترویج و گسترش معنویت و... را از اصول اساسی در مکتب علوی دانسته و معتقد است که ساختار حکومت و اقتدار حاکمیت، باید در برابر آنها انعطاف پذیر باشد.

روحی برندق کاوس و قربانیان صالح در مقاله «شیوه های سیاسی اجتماعی امیرمؤمنان (علیه السلام) در جهت جذب و هدایت مخالفان». "، ۱۳۹۶، به واکاوی جوانب فرهنگ جهادی در سیره عملی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، در زمینه شیوه های اجتماعی — سیاسی جذب و هدایت مخالفان پرداخته است و پنج شیوه انتقادپذیری و توسعه آزادی های سازنده و سکوت معنادار و حکیمانه و نیز عدالت گستری و مدارا و نرم خویی و تحمل ناهنجاری های مخالفان را از عوامل جذب مخالفان می داند. در این مقاله به جنبه دفع در سیره آن حضرت اشاره ای نشده است. فولادی حفیظ الله در مقاله ای تحت عنوان "تبیین انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و نظریه های کلاسیک". "، ۱۳۹۶، به مقایسه نظریه های "زیست شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی و نیز تبیین مبتنی بر گزینش رفتار انحرافی با دیدگاه های امام علی (علیه السلام) پرداخته و به این نتیجه رسیده است که توجه به همه این عوامل در شکل گیری انحرافات وجود دارد اما نه به گونه ای که فرد مقهور آن باشد. و در نهایت نظریه گزینش رفتار کجروانه، قدرت اختیار و انتخاب، را به واقعیت نزدیکتر می داند.

ضرورت انجام چنین تحقیقی از این نظر است که بررسی کلمات و سیره عملی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بیانگر آن است که عامل اصلی توفیق آن حضرت، تنها قدرت نظامی یا مسایل اقتصادی نیست، بلکه تحولات عمیقی است که در محتوای باطنی انسان‌ها، در نتیجه‌ی شیوه برخورد و نگاه متفاوت رهبری و هدایت ایجاد شده است. با توجه به این که این نوع انحرافات در هر زمانی در جامعه دینی قابل پدیدار شدن است و از آن جا که روش‌های کارساز برخورد امام علی (علیه السلام) با انحرافات برخاسته از علم و درایت و مدیریت موفق او در دوران کوتاه حکومتش است؛ می‌توان چنین برداشت کرد که این روش امروزه نیز در جامعه دینی راه‌گشا باشد. پس از بیان این مقدمه اکنون با توضیح چند واژه وارد بحث اصلی خواهیم شد.

مفهوم شناسی

جذب

واژه جذب اسم مصدر، عربی و در مقابل دفع به معنای به‌سوی خود کشیدن؛ کشش، گیرایی؛ جاذبه و ربایش است. عمید، ۱۳۸۶، «جَذَبَ، يَجْذِبُ الشَّيْءَ» یعنی آن چیز را کشید و یا می‌کشد. از کاربردهای معانی این واژه جرو مد، جزر و مد، و نیز کشاندن آب به بینی، استنشاق، است برخی هم خانواده‌های آن مانند، تجاذب، به معنای کشیدن چیزی از دوسوی نیز به کار رفته است. طریحی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۳؛ ابن منظور، ج ۱، ص ۲۵۷.

در اصطلاح اغلب جذب به صورت مرکب و با اضافه شدن به اسم‌های دیگری به کار می‌رود و معنا و کاربرد آن با توجه به اسم مابعدش تفاوت‌های اندکی دارد. مثلاً جذبِ قلوب به معنای جلب کردن دل‌های مردم است و جذبِ غذا به معنای تحلیل غذا در بدن... و همچنین جاذبه در برخی ترکیبات معنای نیروی مغناطیسی یا جاذبه دارد از قبیل «نیروی جاذبه زمین» و «زیبایی دل‌رُبا و فریبنده» و «نیروی جاذبه عمومی» که میان دو جسم وجود دارد. مهیار، ۱۳۷۶، ص ۲۸۶.

دفع

دَفْع در اصل لغت، مصدری عربی و سه حرفی، ثلاثی مجرد، است به معنای ردّ کردن و دور کردن، [البته در عربی با توجه به حرف بعد از آن معانی مختلفی برای آن گفته شده است] اگر با حرف، الی، متعدی شود در معنی دادن و رساندن است. خدای تعالی می‌فرماید: (فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ)، قرآن کریم ۴: ۶، اموالشان را به آن‌ها برسانید. و اگر با حرف، عن، متعدی شود در معنی - حمایت - است مثل آیات: (إِنَّ

اللَّهِ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا)، قرآن کریم ۲۲: ۳۸، خداوند از مؤمنان دفاع می کند. ولی در آیات (وَأُولَٰئِكَ دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمُ بَعْضًا)، قرآن کریم ۲: ۲۵۱، و (وَلَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ)، قرآن کریم ۷۰: ۲، دافع در این آیات به معنی حامی و یاور است.، راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ این منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۸۸، «دفع» بر دور کردن، کنار زدن و هل دادن و حذف کردن و پرداخت کردن و پس زدن دلالت می کند و نیز به معنای طرفداری کردن و حمایت کردن به منظور دفع شر و ضرر یا آزار از کسی یا چیزی به کار رفته است. و «الدفعه» در مورد حجمی از باران یا خون یا چیزهای دیگر به کار رفته است و نیز سیل عظیم را «الدفاع» گفته اند و تناسب همه این معانی با معنای اصلی واژه این است که تراکم و تلاطم آن ها باعث رانندگی و کنار زدن می شود، مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۸؛ طریحی، ۱۳۷۵ج، ۴، ص ۳۲۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۵.

انحراف

انحراف مصدر عربی است از ریشه، ح ر ف،. حَرَفَ هر چیزی کنار و لبه‌ی آن است. مثل حرف شمشیر یعنی لبه‌ی آن، و حرف کشتی پهلوی و کناره کشتی و حرف کوه به معنای لبه و پرتگاه کوه است. قرشی، ۱۳۶۷ج، ۲، ص ۱۲۱، و در اصطلاح به معنای دور شدن یا جدا شدن از راه‌ها، اصول، معیارها و یا روش‌های تعیین شده است. این واژه در آیات قرآن به کار نرفته است و در زبان عربی نیز به این معنای مصطلح کاربرد ندارد اما هم‌خانواده‌های دیگری از آن مانند «حرف» و «متحرّف» و «يُحَرِّفُونَ» با مضامینی نزدیک به این معنای استفاده شده است؛ مانند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ...» بعضی از مردم خدا را بر طرفی عبادت می‌کنند... .. و، متحرّف، کسی است که به يك جانب ميل می‌کند و تحریف شیء به يك طرف بردن آنست؛ مثل: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...»، قرآن کریم ۴: ۴۶، .. راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ۲۲۹: قرشی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۲۱.

جامعه شناسان در تعریف کجروی دو بعد ذهنی و عملی، رفتاری، را مورد توجه قرار می‌دهند. در بعد ذهنی گفته می‌شود که نظام اجتماعی دارای هنجارها و الگوهای رفتاری مقبول است که هرگونه فاصله ذهنی از این هنجارهای متعارف و مورد قبول جامعه، انحراف یا کجروی نامیده می‌شود. «در بعد عملی انحراف، باید بین «رفتارهای ناسازگار» و «رفتارهای غیر عادی» تفاوت قائل شویم. رفتارهای غیر عادی، رفتارهایی می‌باشند که با هنجارهای اجتماعی منطبق نیست، هر چند نظم هنجاری جامعه را نفی نمی‌کند، یعنی اگرچه رفتار با هنجارهای جامعه همخوانی ندارد، اما فرد نظم هنجاری جامعه را قبول دارد.

اغلب کجروی‌ها را این گروه از افراد مرتکب می‌شوند. مانند فردی که مشروب می‌خورد، سیگار می‌کشد، اما هرگز به فرزندش توصیه نمی‌کند که او نیز این کار را انجام دهد. در واقع او این عمل خلاف را آگاهانه انجام می‌دهد و در واقع ملتزم به رعایت قواعد اجتماعی نیست.»، افروغ، ۱۳۸۱، صص ۴۸-۳۶.

نقش جذب حداکثری

رفتار همیشگی و سبک سخن گفتن دو ابزار مهم در شناخت افراد به شمار می‌آیند. از این رو، این بخش از پژوهش یافته‌های تحقیق را که با استناد به منابع اصیل صورت گرفته است، در صدد است سیره و سخن امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را برای شناخت هرچه بیشتر نقش جذب سیاسی و اجتماعی در جذب و هدایت مخالفان و اکاوی نماید. این عوامل عبارت اند از:

الف. مهرورزی

نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع‌ها آن است که با نیروی محبت اداره شود. هرگاه رابطه میان این دو براساس محبت و پیوند قلبی شکل گرفته باشد، تربیت اجتماع و هدایت آن به سوی سعادت آسان تر خواهد شد. یکی از عوامل مهم فرمانبرداری مردم از حاکمانشان آن است که مردم زمامدارانشان را علاقه مند خود ببینند در این صورت محبت و علاقه نیروی جاذبه قدرتمندی خواهد بود که قادر است اکثریت جامعه را پیرامون خود گردآوری کرده و به سوی فرمانبرداری سوق دهد. «نیروی محبت در دور کردن فرد و جامعه از کجروی نیرویی، برانگیزاننده و تحول آفرین است. بهترین بستر در تربیت جامعه، محبت است.»، مطهری، ۱۳۴۹، ص. ۶۱، امام علی (علیه السلام) در باره رفتار محبت آمیز زمامدار با مردم و نقش آن در هدایت و تربیت سفارش کرده است: «دل‌های آدمیان رمنده است، پس هر کس که با آن الفت برقرار سازد روی بدو نهد»، سیدرضی، ۱۳۷۸، حکمت ۵۰.

از نظر امام علی (علیه السلام)، بهترین کارگزاران کسانی هستند که در خدمتگزاری بیشتر از سر مهرورزی عمل کنند. ایشان در عهدنامه مالک می‌نویسند: «باید برگزیده ترین سران سپاه نزد تو کسی باشد که یار سپاهیان و کمک کار آنان است و از آنچه دارد به آنان می‌بخشد... زیرا مهرورزی تو بر آنان دل‌هایشان را با تو مهربان نماید»، سیدرضی، ۱۳۷۸، نامه ۵۳،

ب. انتقاد پذیری و مشورت

انتقاد در لغت به معنای جدا کردن، خرده گرفتن، و به گزینی است و نیز جدا کردن درهم‌های ناخالص از دیگری و تشخیص درست از نادرست آن است. نقد کسی کردن به معنای خدشه‌وار کردن و عیب گرفتن از کسی است، ابن منظور ۱۴۱۴ ق. ج ۳، ص. ۴۲۵؛ جوهری ۱۴۱۰ ق. ج ۲، ص. ۵۴۴؛ ابن فارس ۱۴۰۴ ق. ج ۵، ۴۶۷؛ دهخدا، ج ۱۴، ص. ۲۲۶۵، انتقاد خواستن از دیگران برای پی بردن به عیب‌ها و نقص‌ها از خصلت‌های والای بشری است که از فرهنگ درخشان اسلامی نشأت گرفته است. و با مشورت کردن و مشاوره طلبیدن از دیگران محقق می‌شود. در اسلام یکی از مهمترین حقوقی که انسان‌ها در قبال یک‌دیگر دارند خیرخواهی و نصیحت و انتقاد دل‌سوزانه است، تا آن جا که خدا بر بندگان واجب کرده است که به اندازه طاقت خود به خیرخواهی یک‌دیگر برخیزند، شریف رضی ۱۴۱۴ ق. ص. ۳۳۴. و نیز فرموده اند: «هر کس با صاحبان اندیشه مشورت کند از درخشش افکار بهره مند شده است»، خوانساری ۱۳۶۰، ج ۵، ص. ۳۳۶، حدیث ۸۶۳۴، و یا می‌فرمایند: «هر کس با مردان، صاحب نظران، مشورت نماید از اندیشه های آنان بهره گرفته است»، سیدرضی، ۱۳۷۸، حکمت ۱۵۲؛ امام (علیه السلام) شکوفایی استعدادها و رشد سلیقه‌ها و در نتیجه گشایش راه حل‌های تازه برای مشکلات را در انتقاد پذیری و مشورت دانسته اند. در این خصوص می‌فرمایند: «اندیشه‌ها را به یکدیگر بزنید تا درستی و حقیقت از آن متولد گردد»، تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۲۶۶، ح ۲۵۶۷، درجایی دیگر آن را مایه شناخت جایگاه‌های خطا و اشتباه معرفی کرده اند: «و آن کس که آرای گوناگون را استقبال کند موارد خطا و اشتباه را می‌شناسد»، حکمت ۱۶۴،

کسی که از نعمت گشادگی سینه در مدیریت و مسئولیت بهره مند باشد مقام و مرتبه موجب تکبرش نمی‌شود، رنج‌ها و سختی‌های انتقاد و مخالفت را تحمل می‌کند با مشورت کردن به استقبال اظهار نظرهای ناموافق می‌رود و انتقادپذیر است. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «ابزار ریاست و رهبری سینه گشاده است»، حکمت ۱۷۶.

چنین فردی توانایی تحمل طغیان مخالفان و منحرفان و قدرت تسلیم شدن در مقابل حق را دارد با سعه صدر همه نظرات موافق و مخالف را دریافت می‌کند و برای انتخاب راه و رسم صحیح تصمیم‌گیری می‌کند؛ زیرا در این صورت است که حق به صورت شفاف برایش روشن می‌شود. امام (علیه السلام) با وجود برخورداری از مقام عصمت می‌فرماید: «... من، خوش ندارم خیال کنید که من، ثناگویی و ستایش شما را دوست دارم و — با سپاس الهی — این گونه نیستم... پس با من، آن چنان که با جباران سخن می‌گویید، گفت و گو نکنید و آن گونه که نزد ستمگران تندخو، از خود مراقبت می‌کنید؛ با من رفتار نکنید

و از برخورد همراه با ظاهرسازی و مدارات بپرهیزید و خیال نکنید اگر سخن حقی به من گفته شود، قبول آن، بر من، سنگینی خواهد کرد و یا اینکه خودبزرگ بین باشم...»، صبحی صالح ۱۴۱۴ ق، ص. ۳۳۴، خطبه ۲۱۶، امام علی (علیه السلام) علاوه بر این که خود چنین روشی داشتند، همواره آن را به کارگزاران و مردان سیاسی حکومت خود نیز توصیه می کردند تا از این مجرا فایده ی بیشتری از خرد جمعی و اندیشه های گروهی مختلف نصیب جامعه گردیده در نتیجه به جذب حداکثری مخالفان بیانجامد. بنابراین، برنامه‌ای به مالک اشتر می نویسد: «... و نیز باید از وزارت برگزیده تر نشان نزد تو وزیری باشد که سخن تلخ حق را به تو بیش تر بگوید و نسبت به آنچه که خداوند برای اولیایش خوش ندارد کمتر تو را یاری دهد، ... به اهل پاک دامنی و صدق ببیوند، و آنان را آن چنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند، و بیهوده به کاری که انجام نداده‌ای تو را شاد نمایند، که تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت کند، و به گردن کشی نزدیک نماید.»، صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۴۳۰.

مشورت، پذیرش انتقاد و استقبال از نقد و ایراد، از منظر امام علی (علیه السلام) موجب احساس ارزشمندی و جذب مشارکت اندیشه های درخشان، همبستگی، مهرورزی، و یکپارچگی در جامعه شده و عامل دفع نفاق و تملق و چاپلوسی و ثنا گویی است. «از دیدگاه علی (علیه السلام) یک زمامدار لایق کسی است که در تقسیم مسؤولیت ها و پست ها میان افراد، جز اجرای عدالت و دادن حق به حق دار، به چیزی فکر نکند، و جز با دقت و تأمل در خصوصیات و امتیازات افراد و امتحان و آزمایش آنها، کسی را به کارگزاری دولت نگمارد»، لنگرانی، ۱۳۶۶، ص. ۹۷.

لازمه آن این است که مدیر و حاکم جامعه، مشاوران و نزدیکان خود از میان افراد شایسته و مورد اعتماد انتخاب نماید. گفتار و سیره عملی امام علی (علیه السلام) بیانگر توجه ویژه آن حضرت به این موضوع است: «آزمودگی و تجربه، پاکدامنی و نجابت، تقوا و اصالت خانوادگی، تشخص و صیانت نفس، توان مدیریت و دوراندیشی و... را ملاک های انتخاب قضات و کارگزاران معرفی کرده است.»، نامه ۵۳؛ لنگرانی، ص. ۹۸-۹۹.

یکی از دیگر از ضروریات انتقاد و مشورت سالم سازی فضای نقد و شور با دفع عیب جویی و بدگویی و تملق است. «انسانی که آلوده خصلت سخن چینی است به خوبی می تواند، هم روابط فردی افراد را به هم بریزد و هم روابط مردم با حکومت را تیره سازد. حال اگر چنین شخصی با چنین صفت رذیله ای، وارد دستگاه حاکمه شود و با کارگزاران حکومت، رفت و آمد داشته باشد، به سادگی می تواند با دست آویز قرار دادن نقاط ضعف دیگران، حاکم را از مردم جدا و مردم را از حاکم متنفر نماید.»، لنگرانی، ۱۳۶۶، ص. ۵۸.

علی (علیه السلام) برای ایجاد جو اعتماد و امنیت، کارگزاران را به طرد عیبجویان و سخن چینیان سفارش می کند و می فرماید: «و باید دورترین رعیت نزد تو کسی باشد که بیشتر از دیگران در پی عیب جویی مردم است؛ زیرا به طور مسلم، در تمام مردم عیب هایی است و زمامدار در خطاپوشی سزاوارتر از دیگران است» ، نامه 53. همچنین فرموده است: «ستایش بیش از حد استحقاق و شایستگی، تملق و چالپوسی است و کم گذاشتن و کوتاهی از حد استحقاق، ناتوانی یا حسادت است». ، صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۵۳.

ج. آزادی و کرامت انسانی

آزادی یکی از موهبت های بزرگ الهی و از ارزشمندترین سرمایه های مادی و معنوی بشر است. آزادیخواهی و حریت طلبی با ذات انسان سرشته شده است و از خوشایندترین و سازگارترین خواسته های فطری انسان است. آزادی از نظر لغوی به معنی رهایی از هرگونه تنگنا و عوامل منع کننده، توان انجام کار و ترک آن، و امکان انتخاب داشتن است ، دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۱، ص. ۱۱۷، آزادی مقوله ای فلسفی - سیاسی است. از نظر فلسفی، آزادی به معنای «اختیار» در برابر «جبر» است. از لحاظ سیاسی، آزادی به مفهوم امکانات فرد از لحاظ حقوق مدنی، اجتماعی، و سیاسی در برابر قدرت دولت و جامعه است ، بابایی و آقایی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص. ۸. آزادی عقیده فراهم آوری این امکان برای شخص است تا این که بتواند تصمیم بگیرد و طبق تشخیص خود راه و جهتی را برگزیند. ، ایازی ۱۳۷۹، ص. ۱۰۷، آزادی بیان آن است که انسان به طور طبیعی حق دارد آن چه را می فهمد و اعتقاد دارد بیان کند و اگر به چیزی اعتقاد ندارد از آن دفاع نکند؛ البته آزادی بیان نیز مانند بسیاری از ارزش ها مطلق نیست و مواردی را که کرامت و شخصیت انسان را به خطر اندازد شامل نمی شود، زیرا آزادی برای حفظ کرامت انسان است ، ایازی، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۸-۲۳۳.

حضرت امیر (علیه السلام) در مقام فرمانروای اسلامی دائماً آزادی انسان ها را مورد تأکید قرار داده است. آن حضرت به خوبی می دانستند جذب و هدایت دیگران به سوی ایده هایش با جبر و خشونت امکان پذیر نیست. بلکه لازم است مخاطب احساس کند می تواند اندیشه های خود را آزادانه بیان نماید تا آن حضرت بتواند از روزنه نقد اندیشه های او، راهی برای جذب و هدایتش بیابد. "ای مردم! هیچ یک از فرزندان انسان برده یا کنیز به دنیا نیامده است، مردمان همه آزادند." ، کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص. ۶۹، مردم در دوران حکومت حضرت امیر (علیه السلام) از آزادی کامل برخوردار بودند و این موضوع از شکوه های آن حضرت درباره مردم کوفه و در جریان حکمیت به خوبی دیده می شود، آن جاکه می فرماید: «ای اهل

کوفه، من از جانب شما به سه چیز و دو چیز دچار شده‌ام: گوش دارید ولی کرید، گویاید اما لالید، چشم دارید اما کورید، درحالی که هنگام جهاد آزادمردانی راستین نیستید.»، خطبه ۹۷.

امام علی (علیه السلام) آزادی مخالفان خود را برای بیان عقیده محترم می‌شمارد و به عنوان یکی از حقوق مسلم آنان تلقی می‌کند. «امام در نامه‌ای که پس از کشته شدن محمد بن ابی بکر به یاران خود نوشت این نکته را یادآوری کرد که هرکس به میل خود با من بیعت کرد، از او پذیرفتم و هرکس نخواست اکراهش نکردم و به حال خودش وا گذاشتم.»، تقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳۱۰، و در نامه به کارگزاران امر خراج وزکات نوشته است: «او را فرمان می‌دهم که مردم را نرنجاند و دروغ‌گوشان نخواند و تهمت نهد. و به این دستاویز که بر آنان امارت دارد، روی از ایشان برتابد. زیرا آنها برادران دینی او و در گرفتن حقوق خداوند یاران او هستند.»، نامه ۲۶، امیرمؤمنان (علیه السلام) محلی را تعیین کرده بود تا مردم برای طرح شکایت خود به آن جا مراجعه کنند و امام (علیه السلام) فرصتی پیدا کند تا بدون واسطه با درد و رنج مردم آشنا شود. مردم شکایات و مشکلات خود را مکتوب به این مرکز ارائه می‌کردند، تستری ۱۴۰۹، ق، ج ۸، ص ۵۵۶. یک گروه از مخالفان سرسخت حضرت (علیه السلام) خوارج بودند که پس از جنگ صفین و ماجرای حکمیت علم مخالفت سرسختانه با امام (علیه السلام) را برافراشتند. امام (علیه السلام) از همان اوائل ظهور این فرقه به آن ها اجازه داد وارد بحث و مذاکره شوند و انتقاداتشان را آزادانه مطرح کنند، و با بردباری کوشش کرد تصورات نابجا و عقاید باطل آن ها را اصلاح نماید. در تمام این مدت، حضرت نه تنها برخورد خشونت آمیزی با آنان نداشتند، بلکه حقوق آن ها را از بیت المال هم پرداخت کردند. امام (علیه السلام) با وجود توانایی، حتی اقدامی برای محدود کردن آزادی آنان یا دست گیری و حبس و تبعید شان نکرد. و بدور از هرگونه اهانت و تمسخر عقایدشان با منطقی استوار و مطمئن به نقد آن ها پرداخت. شهیدی، ۱۳۹۲، ص ۳۹، خطبه ۱۲۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۴۰، حکمت ۲۳.

د. عدالت ورزی

عدل در لغت اصلی است که بر حد وسط میان افراط و تفریط و راست و مستقیم دلالت می‌کند و بر مبنای این اصل معانی متعددی می‌دهد: از جمله مساوات، حکم به حق، درستی و میزان بودن، و تفیض جور و ستم، ابن فارس ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۷؛ فراهیدی ۱۴۱۰، ق، ج ۲، ص ۳۸. در اصطلاح عدل به معنای ملازمت راه میانه و گریز از افراط و تفریط در کارهاست و این معنای ملازمی عدل است و گرنه حقیقت عدل مساوات را برقرار نمودن و هماهنگی در کارها داشتن است، با این صورت که در عدالت به هر کسی سهم بایسته داده می‌شود و بنابراین همگان در رسیدن به سهم خود و قرار گرفتن در جایگاه بایسته خود برابر می‌شوند، طباطبایی ۱۴۱۷، ق، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

«احساس بی عدالتی منجر به نارضایتی و عدم همکاری، درگیری، ناآرامی های مدنی و جنگ می شود. در این خصوص ادیان نقش قدرتمندی در شکل دهی عقاید مربوط به عدالت اجتماعی یا واکنش به درک بی عدالتی، به عنوان اراده خداوند و نشان لیاقت اخلاقی، یا مخالفت با آن ها ایفا می کنند...»، زیوری و همکاران، ۱۳۹۹.

حضرت امیر علیه السلام عدالت را زندگی می داند. آمدی ۱۳۶۶، حکمت ۲۴۷، «الْعَدْلُ حَيَاةٌ». 'به این معناکه زندگی واقعی همان حیات معنوی است که انسان عادل از آن بهرمنند شده است و شخصی که عادل نباشد گویا مرده است، هرچند خصوصیات یک موجود زنده را داشته باشد آن حضرت در یکی دیگر از سخنان عدالت و جود را باهم مقایسه می کند و در نهایت عدل را ترجیح می دهند: «حضرت در پاسخ این سوال که: کدام برتر است عدل یا جود؟ آن حضرت فرمود: عدل امور را در جای خود قرار می دهد و جود آن ها را از جایگاه خود بیرون می برد. عدل حافظ عموم است و جود سودبخش به عده ای خاص. پس عدالت شریفتر و برتر است.»، حکمت ۵۵۳.

عدل دارای ماهیت اجتماعی است که تمام امور مربوط به جامعه را شامل می شود، امور مرتبط با انسان، حقوق فردی و اجتماعی، قوانین، منابع اقتصادی، سازمان های اجتماعی، گروه های سیاسی، ... که شایسته است در محل مناسب خود قرار گیرد؛ لذا، آنچه می تواند جامعه ای سالم و پرتحرک و بانشاط را بسازد تا همه اقشار جامعه بتوانند در زیر چتر آن بهره مند شوند، عدل است و امام علیه السلام آن را سیاستی همگانی دانسته اند. یکی از نقش های مهم اجرای عدالت رضایت تامین رضایت عمومی است؛ «اعتراضات عمومی عمدتاً ریشه در بی عدالتی ها دارد، اما با عدالت گستره ریشه اعتراضات عمومی در همه اشکال آن خشکیده می شود و دل ها به یک دیگر نزدیک می شود و هم چنین حکومت عادل بقا می یابد. فقط چنین حکومتی می تواند ادعای حکمرانی بر دل ها و جذب حداکثری داشته باشد.»، مفید، ۱۴۱۳ ق، ص. ۴۳۳. در چنین جامعه ای روابط بین سران حکومت با توده ملت از سلامت حداکثری برخوردار خواهد بود و در نتیجه زمینه اعتماد متقابل برای فهم و درک انتظارات طرفین میسر خواهد بود و هیچ گاه تحمل مشکلات یک جانبه نخواهد بود.»، مفید، ۱۴۱۳ ق، ص. ۴۳۶.

با عدالت و مهربانی که آنان را به آن عادت داده ای می توانی بر آنان مطمئن باشی، چه بسا گرفتاری هایی پیش آید که پس از نیکی به مالیات دهندگان اگر حل آن را به آنان واگذاری، با طیب خاطر



بپذیرند، چه این‌که بر مملکت آباد آنچه را بار کنی تحمل کشیدنش را دارد؛ و علت خرابی زمین بی‌چیزی و تنگ‌دستی اهل آن زمین است، و فقر و نداری آنان ناشی از زراندوزی والیان، و بدگمانی آنان به بقای حکومت، و کم‌بهره‌گیری آنان از عبرت‌ها و پندهاست. این چنین حکومتی، در غالب موارد، بی‌نیاز از نیروهای نظامی خواهد بود، زیرا پشتوانه عظیمی از توده‌های ملت را داراست. در همین زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: هرکس در حکمرانی خویش عدالت ورزد از پشتیبانانش بی‌نیاز گردد، آمدی ۱۳۶۶، ص. ۳۴۰.^۱

«امام علی (علیه السلام)، به عنوان یک مدیر برجسته اسلامی، زمامدار را به رشته ای تشبیه می‌کنند که مهره‌ها را به هم پیوند می‌زند و عامل انسجام و وحدت آنهاست و اگر این رشته بگسلد مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام به سویی خواهند رفت و هرگز دوباره جمع نخواهد شد.» سیدرضی، ۱۳۷۸، نامه ۱ و ۳.

امام علی (علیه السلام) بی‌عدالتی را مایه آوارگی و پراکندگی مردم می‌داند. «عدالت را بگستران و از بی‌انصافی برحذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند.» حکمت ۴۷۶، و در فرازی دیگر از سخنانش آن را موجب چشم‌روشنی حاکمان و پدید آمدن دوستی در میان رعیت دانسته است. نامه ۵۳، او با گسترش عدالت و نفی بیدادگری به مبارزه با آفت‌های دینداری برخاست. «دین را اقامه می‌کنم و نخوت گنهکار را قلع و قمع می‌نمایم و رخنه ترسناک مرزها را می‌بندم.» نامه ۴۶، امام در باره تصور سامانبخشی امر دنیا با رها کردن چیزی از امر دین هشدار داده است و آن را موجب گرفتاری زیانبارتر توصیف کرده است: «مردم برای اصلاح دنیا چیزی از امور دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر از آن دچار خواهد کرد.» حکمت ۱۰۶.

و با ترویج عدالت و توصیه به اعتدال در کارها به دفع طمع ورزی و توقعات بی‌جا قیام کرده است. «ای مردم! شگفت‌انگیزترین چیز در آدمی دل اوست؛ و در آن مایه‌هایی از حکمت است، و چیزهایی ضد آنها؛ پس اگر به چیزی امید بندد، طمع او را خوار کند؛ و اگر آتش طمعش شعله‌ور شود، حرص او را هلاک سازد... و اگر مالی به‌دست آورد، ثروت او را به گردنکشی برانگیزد، و اگر به فقر دچار گردد، گرفتاری او را از کار بیندازد؛ و اگر در سیر شدن زیاده‌روی کند، پُری شکم او را آزار دهد؛ پس هر کاستیی برای آدمی زیانبخش است، و هر افراط و زیاده‌روی مایه تباهی.» صدوق ۱۳۸۰، ج ۷، ص. ۱۰۹؛

۱. «مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ اسْتَعْنَىٰ عَنْ أَعْوَانِهِ»

حکمت ۱۰۸؛ محمودی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۸۲؛ کلینی ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۱ و ۲۱؛ خوانساری، ۱۳۶۰، حدیث. ۷۴۰۲

اجرای کامل و قاطع عدالت توسط حضرت باعث شد مردم آن روزگار -ولو برای مدت زمان کوتاهی- تحقق همه جانبه عدالت واقعی را تجربه کنند. حاصل این تحول عظیم گرایش انبوه انسان‌های آن زمان به سوی اوست. به طوری که با شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گویی تمام عدالت دفن گردید. یکی از زنان شاعر عرب به نام «سوده بنت عماره»^۱ وقتی برای شکایت از کارگزار معاویه به نام بسر بن أرطاة به وی مراجعه کرد، عدالت امام علی (علیه السلام) را این گونه به ایشان یادآوری کرد: «صلوات خدا بر بدنی که قبری آن را در برگرفت. [گویی] که همه ی عدالت در آن قبر دفن شد. او با حق پیمان بسته بود و چیزی جز آن نمی خواست، پس [سرانجام] با حق و ایمان همنشین شد»، ابن ابی طاهر، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۵.^۲

حضرت امیر (علیه السلام) در کلام ارزشمندش به عافیت و آسایش ناشی از عدالتش اشاره دارد: و بر شما از عدالت خود لباس عافیت پوشاندم. ، خطبه ۱۲۰، کسی که حکومتش را برپایه عدالت بنا نماید از پشتیبانان خود بی نیاز گردد. حضرت علی (علیه السلام) آنگونه که در بسیاری از سخنانش آشکار شده است نتیجه عدالت ورزی را انس و پیوند و پیوستگی دل‌ها به یکدیگر دانسته و تأکید دارد: دل‌های مردم گنجینه های حاکمشان است، پس آن چه امانت گذارد در آن‌ها از هر عدل یا ستمی که در آن به امانت بگذارد همان را می یابد. ، خطبه ۳۴۶،^۳ یعنی اگر حاکم در قبال رعیت عدالت پیشه کند، دل‌های مردم به خاطر عدالت‌گستریش با مهر و محبت او انس می گیرد و اگر جور پیشه کند، دل‌های مردم بخاطر بیزاری از جور از او نیز گریزان می شود. در سخنان ارزشمند حضرت امیر (علیه السلام) به رعایت عدالت و انصاف و پرهیز از جور درباره دوست و دشمن و درحالت صلح و جنگ نیز مورد سفارش شده است؛ امام (علیه السلام) به فرمانده سپاهی که به جنگ صفین فرستاده بود فرمود پس مانع و جلوگیری نده نفست از سرکشی و ظلم و تعدی باش.، منقری ۱۴۰۴ ق: ۱۲۲، در این زمینه داستان گم شدن زره حضرت و حضور در محکمه اسلامی به مثابه یک شهروند عادی و پذیرفتن قضاوت و رأی قاضی منصوب خود مشهور است.، ساعدی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۲.

۱. سودة بنت عمارة بن الأسك الهمداني، از زنان شاعر و شیعیان امام علی (علیه السلام)

۲. صَلَّى إِلَهَ عَلَى جِسْمِ تَضَمَّنَهُ قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَدْلُ مَدْفُونًا

قَدْ حَالَفَ الْحَقُّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانَ مَقْرُونًا

۳. «قُلُوبُ الرِّعِيَّةِ خِزَانَتُنْ رَاعِيهَا فَمَا أُوْدِعَهَا مِنْ عَدْلٍ أَوْ جُورٍ وَجَدَهُ»

از این دیدگاه می‌توان نتیجه گرفت، همه نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی به وسیله عدالت به خیرخواهی و عافیت و آرامش تبدیل می‌شود. هرگاه جامعه‌ای سالم باشد، پیوند دلها به یکدیگر محکم تر می‌شود و مردمان آن جامعه به سوی پدیدآورندگان چنین بسترهایی جذب می‌شوند.

هـ. مدارا کردن

مدارا در لغت به معنای نرمی کردن، ملاحظت کردن، و به مهربانی رفتار کردن و به معنای ضد خشونت آمده است، فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص. ۱۴۹؛ قرشی ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص. ۱۱۰؛ دهخدا ۱۳۳۹، ج ۱۳، ص. ۲۰۵۲۲. نزدیکترین معادل عربی مدارا «رفق» است، اما در این رابطه برخی علمای لغت تفاوتی‌هایی را بیان کرده اند:

«مدارا از حیث معنی نزدیک به رفق است، زیرا مدارا نرمی و ملایمت و حسن معاشرت با مردم و تحمل ناگواری و آزار آن‌هاست. گاهی بین رفق و مدارا می‌توان تفاوتی قائل شد به این اعتبار که در مدارا تحمل آزار مردم هست و در رفق نیست.»، نراقی بی تا، ج ۱، ص. ۳۴۱، بنابراین، مدارا در اصطلاح به معنای تحمل مخالفت‌ها و حفظ آرامش برای پرهیز از اقدام خشونت آمیز با هدف جذب مخالفان بوده، بدون این که از خشونت و سرکوب در قبال آنان استفاده شود. منظور از اقدامات خشونت آمیز به کارگیری زور و قدرت برای تحقق خواسته هاست.

بر اساس آموزه‌های علوی سازگاری هدفمند با دیگران باعث جذب آنان و مهیا شدن زمینه مناسب جهت ارتباط و گفت‌وگو و همکاری می‌شود، که در مراحل بعد موجب پیوند و اعتماد متقابل و از بین رفتن عقده‌ها و برداشت‌های نادرست از یکدیگر و آسودگی از کشمکش و تنش‌های بی‌هوده می‌شود. در این رابطه حضرت امیر (علیه السلام) فرموده است: «با مردم مدارا کن، تا از گزندهایشان در امان باشی و از نیرنگهایشان سالم بمانی.»، آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۵، و باز می‌فرماید: «با مردم مدارا کن تا از برادری آنان بهره‌مند شوی و با روی خوش با آنان برخورد کن، تا کینه‌هایشان بمیرد.»، آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۵، حدیث ۱۰۱۸۰.

شیوه حضرت امیر (علیه السلام)، برای جذب و هدایت مخالفانش، ابتدا نرمخویی و سازگاری بود، ولی وقتی که همه روزه‌های مدارا بسته می‌شد، برای دفع فتنه‌های که آنان شعله ورمی کردند با حداکثر جدیت و سختگیری اقدام می‌کرد. وی در پاسخ یکی از مخالفانش که حضرت را از بی وفایی یاران بیم می‌داد فرمود: «من کسی را به صرف اتهام مؤاخذت نکنم و به صرف گمان به عقوبت نکشم، و فقط با کسی قتال می‌کنم که به خلاف من برخیزد و در برابر من بایستد و عداوت آشکار کند؛ البته باز هم با او پیکار

نکنم تا آن زمان که او را بخوانم و عذر او بشنوم. اگر توبه کرد و به نزد ما بازگشت، از او می‌پذیریم، ولی اگر سر برتافت و هم‌چنان با ما بر سر جنگ بود، از خدا یاری می‌جوییم و با او پیکار می‌کنیم. و خدا مرا از هر آسیب ننگه دارد» ، ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص. ۳۷۱.

امام علی (علیه السلام) هرگز مخالفان خود را از حقوق عمومی، که سهم هر مسلمانی در جامعه اسلامی بود، محروم نکرد و حقوق آنان را از بیت‌المال دریغ نکرد و هرگز مخالفی را به خاطر شائبه مخالفت یا ابراز مخالفت توقیف یا محبوس نکرد مگر با آنان اتمام حجت کرده باشد و همه‌ی روش‌های مدارا و نرمش را جهت جذب و بازگشت آنان به کار گرفته باشد... ، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص. ۳۷، ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص. ۳۷۱/۳؛ مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۲۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص. ۳۵.

یکی از اموری که در بازسازی و ترقی روابط انسان‌ها با یک‌دیگر تأثیر عمیقی دارد سازگاری با مخالفت‌ها و تحمل انتقاد دیگران است. «از مهم‌ترین آثار فردی و اجتماعی مدارا کردن کسب محبوبیت و گشایش روزنه‌های نفوذ در افکار دیگران است. بنابه فرمایش امام علی (علیه السلام) مدارا باعث می‌شود که کینه‌ها از بین برود.» ، آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۵، و امکان آشنایی افراد را با نقاط اشتراک و اختلاف یکدیگر را فراهم نموده و در نتیجه فرصت همکاری و هم‌اندیشی را برای رفع یا کاهش دادن اختلافات فراهم می‌سازد.

از دیگر برکات و ثمرات مدارا با مردم جذب دوستان بیشتر است؛ مدارا کردن با مردم سبب جذب آن‌ها می‌شود، و این امر گسترده‌تر شدن دامنه‌ی ارتباطی انسان‌ها را به دنبال دارد. شواهد نقلی برای این اثر را می‌توان در کلام امام علی (علیه السلام) پیدا کرد: هر که با مردم آشتی کند، یعنی با ایشان جنگ و جدال نکند دوستان او بسیار باشد و دشمنان او کم باشد. " ، آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۴۵،^۱

نقش دفع حداقلی

در برنامه هدایتگری امام علی (علیه السلام) کوشش برای اقبال عمومی و گرایش همگانی جامعه به مبانی دین در مرحله نخست و شدت عمل و قاطعیت در دفع مظاهر انحراف در مرتبه دوم، نقش برجسته‌ای در جلوگیری از انحرافات دینی داشته است. لذا از منظر امام اولویت نخست برای مبارزه با انحرافات دینی و جلوگیری از ظهور و بروز آن تلاش برای جذب حداکثری افراد است. رفع موانع دینداری و برطرف کردن زمینه‌های انحراف از مسیر ایمان از جمله شیوه‌هایی است که نقش مهمی در جلوگیری از انحرافات

۱. «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ كَثْرَ أَوْلِيَاءِهِ قَلَّ أَعْدَاؤُهُ»

دینی داشته است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن. اما آنجا که جز با شدت عمل کار از پیش نمی‌رود شدت را به کار بند» ، سیدرضی، ۱۳۷۸، نامه ۴۶، در این زمینه امام (علیه السلام) ضمن توجه جدی به اصلاح همه اشکال انحرافات نسبت به دفع موارد ذیل اهتمام ویژه‌ای داشته است:

الف. دفع نفاخر و استکبارورزی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باره کارگزاران این خصلت را مایه ی غفلت و انحراف از اهداف الهی سیاست و حکومت می‌داند و می‌فرماید: « و در دیده مردم پارسا، زشت ترین خوی حکمرانان این است که گمان شود آنان دوستدار فخرفروشی اند و سیاست کشور داریشان بر کبرورزی بنا یافته است.» و بعد فرمود: «به راستی که من خوش ندارم که این پندار در ذهنتان راه یابد که به چاپلوسی گراییده‌ام و شنیدن ثنای خویش را دوست دارم. ، خطبه ۲۱۶.

ب. دفع طمع ورزی و خیانت و تبعیض های مادی

از دیگر موارد قاطعیت دفع در سیره امام علی (علیه السلام) دفع و رد طمع و افراد طماع و زیاده خواه است. آن حضرت از طمع با عناوینی مانند؛ بدترین چیز، معیار شر و بدی، عامل بردگی همیشگی، باعث فساد و تباهی و هلاکت ، مرکب قاتل و کشنده سرنشین، و از صفات منافقین، یاد کرده است. «علی (علیه السلام) طرز برخورد رهبر در مقابل افراد خائن را بدین گونه مشخص می‌سازد که: خائن را به کیفر عملش برسان! حدّ شرعی مناسب با خیانتش را - نه کمتر و نه بیشتر - بر او جاری کن! خائن را رسوا و بی آبرو کن و او را به خاک ذلت و خواری بنشان! داغ خیانت را آشکارا بر پیشانی اش بزن و قلاده ننگ و بدنامی را بر گردنش بیفکن، چندان که در میان مردم انگشت نما گردد، تا هم سرنوشت او باعث عبرت دیگران شود و هم دیگر فرصت و امکانی برای خیانت و فساد در میان مردم پیدا نکند.» ، نامه ۵۳: لنگرانی، ۱۳۶۶، ۱۰۳،

در باره وظایفی که حاکم اسلامی در قبال همکاران خود و کارگزاران دولت بر عهده دارد، باز می‌بینیم که امام علی ع این موضوع را با دقت و باریک بینی شگرفی مطرح می‌کند و رسیدگی به امور مادی و تامین احتیاجات کارکنان را یکی از پایه های مهم مدیریت و علت اصلی برای جلوگیری از خیانت کارمندان و دستبرد زدن به بیت المال و رشوه خواری و پایمال کردن حق و از هم پاشیده شدن نظام جامعه می‌داند، و هشدار می‌دهد که اگر نیازهای مادی کارمندان تأمین شده باشد، حتی افراد نادرست نیز بهانه ای برای دزدی و خیانت و رشوه خواری پیدا نخواهند کرد «سپس به ایشان حقوق کافی برسان!

زیرا این کار موجب تقویت نفسشان می شود و آنان را از دست درازی به اموال زیردستان باز می دارد؛ به علاوه این حجتی است بر ایشان اگر از دستور سرپیچی کنند یا در امانت خیانت ورزند.»
نامه ۵۳؛ لنکرانی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۰.

ج. دفع تقلب و نفاق

امام (علیه السلام) نقش مبارزه با تقلب و نفاق را حفظ اعتماد عمومی و سلامت اعتقاد مردم می داند، «و سفارش می کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت، و در خلوت نافرمانی کند، و اینکه آشکار و پنهانش، و گفتار و کردارش در تضاد نباشد.»، نهج البلاغه، نامه ۲۶. مفهوم این سخن آن است که آنهایی که پنهان و آشکارشان متفاوت است و گفتارشان با رفتارشان هماهنگ نیست، خائن و غیر مخلص اند و به واقع چنین است. چه خیانتی از این بدتر که انسان اعمال نیک ریاکارانه در برابر مردم انجام دهد و آن گاه که به خلوت می رود کار دیگر کند؛ یا با زبانش وعده های نیک می دهد و پاکی و تقوا را بستاید ولی عملش بر ضد آن باشد و مایه بی اعتمادی و سلب عقیده مردم گردد. این کارها از هر کس که باشد نازیباست و از دولت مردان اسلام نازیباتر. مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۳۳۰.

د. دفع تعصبات ناروای مذهبی، غفلت و جهالت

و برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایه های انسانی جامعه اسلامی و جلوگیری از گرایش کورکورانه افراد به انحرافات با تعصبات ناروای مذهبی ناشی از غفلت و جهالت مبارزه کرده است؛
«ای بی خبرانی که آنی مورد غفلت نیستید، و ای ترک کنندگان فرامین الهی که از تمامی کارهایتان بازخواست می شوید! شما را چه شده است که از خدای خود روی گردان و به غیر او گرایش دارید؟ چونان چار پایانی که چوپان آنها را در بیابانی و با خیز، و آب هایی بیماری زا رها کرده است. گوسفندان پروار را می مانید که برای کارد قصاب آماده اند ولی خودشان نمی دانند! چه آن که هر گاه به گوسفندان با مقداری علف نیکی کنند یک روز خود را یک عمر پندارند، و زندگی را در سیر شدن شکم ها می نگرند.»، خطبه ۱۷۵، «به نظر می رسد علی (علیه السلام) با بیان جمله «این چیزی است که بنده خدا علی پسر ابو طالب بدان فرمان داده است ...» [اشاره به قسمتی از عهدنامه مالک اشتر]^۱ در صدد نشان دادن دو مطلب مهم و اساسی در فرهنگ اسلام است: اول، غفلت زدایی؛ بزرگ ترین آفت قدرت مندان غفلت از خودشان و چگونه بودنشان است. دوم، آقایی و سروری در سایه بندگی خدا؛ در دیدگاه (علیه السلام) قدرت مقام و ریاست، نفوذ

۱. هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْخَارِثِ الْأَشْجَرِيِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ ...

معنوی، و بالاخره آقایی و سیادت در سایه عبودیت و بندگی «اللّه» تحقق می‌پذیرد.»
لنکرانی، ۱۳۶۶، ص. ۲۱-۲۰،

نتیجه‌گیری

بررسی سخنان و سیره عملی امام علی (علیه السلام) در این پژوهش نشان داد که نهج البلاغه حاوی مجموعه‌ای از بهترین و تأثیرگذارترین روش‌ها در زمینه جلوگیری از انحرافات دینی با استفاده از عامل جذب حداکثری و دفع حداقلی است. کاربست این شیوه از جانب امام (علیه السلام) دارای نتایج مهمی به شرح زیر است؛
۱. کارکرد این روش ناشی از به کارگیری هوشمندانه این دو شیوه به تناسب شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، سنجش و ارزیابی مخاطب و گزینش نوع انحرافات است.

۲. هدف امام (علیه السلام) اصلاح انحرافات دینی از طریق جذب منحرفان و تحقق اقبال عمومی آنان به سوی آموزه‌های دینی بر پایه صلح و دوستی، خیرخواهی و مشورت، عدالت‌ورزی و پرهیز از تضییع حقوق و تحمل رفتارهای انحرافی بود.

۳. رفتار امام علی (علیه السلام) با منحرفان و مخالفان همواره بر اساس مهرورزی و رأفت و مهربانی بوده تا بدین وسیله بتواند همه انسان‌ها را به سوی دینداری و حقایق اسلامی هدایت نماید. ایشان به خوبی آگاهی داشته‌اند که توسل به خشونت و زور و اجبار و یا نادیده گرفتن شخصیت انسان‌ها و یا سلب آزادی‌ها و کرامت انسانی آن‌ها نمی‌تواند مردم را به پذیرش دین و اطاعت از حاکم اسلامی وادار نماید.

۴. همیشه آنان را به دیده مخلوقاتی شریف و محترم نگاه کرده است و با اخلاق حسنه و رفتار اسلامی تلاش نمود به گونه‌ای عمل کند که منحرفان و مخالفان خودشان متوجه شوند دینداری و رفتارهای مبتنی بر اصول اسلامی تنها چیزی است که با فطرت پاک بشری سازگار است و می‌تواند آنان را به سعادت برساند.

۵. یکی از نتایج مهم که از این پژوهش حاصل می‌شود این است که امام علی (علیه السلام) هیچ‌گاه حاضر نشده است به بهانه هدایت گمراهان و جلوگیری از انحرافات ستمی در حق آنان روا داشته شود و یا کمترین حقی از آنان پایمال گردد.

۶. امام علیؑ توانست با بهره مندی از چنین شیوه ای استکبارورزی، طمع و خیانت و تبعیض، تقلب و نفاق و تعصبات ناروای مذهبی را که مهمترین عوامل بروز انحرافات است برطرف نماید. براساس اصول یاد شده باید گفت به کار گیری این روش در جوامع اسلامی می تواند اصلاح گر انگیزه های دین گریزی و عامل پاکسازی انحرافات دینی باشد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم: دارالهجره.
- نهج البلاغه، ۱۳۸۴ش، محمد بن حسین، شریف رضی، ترجمه: محمد دشتی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- نهج البلاغه، ۱۳۹۲ش محمد بن حسین، شریف رضی، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، چاپ سی و دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، محمد بن حسین، شریف رضی، ترجمه: سید علینقی فیض الاسلام، قم: هجرت.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۳۷۸ش، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه.
 ۲. ابن ابی طاهر، احمد بن ابی طاهر، ۱۳۹۵ش، بلاغات النساء، قم: منشورات الشریف الرضی.
 ۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ش، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم: علامه.
 ۴. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۵. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار الفکر.
 ۶. ایازی، محمد علی، ۱۳۷۹ش، آزادی در قرآن، تهران: ذکر.
 ۷. بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی، ۱۳۶۵ش، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: ویس.
 ۸. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۹۸ق، انساب الاشراف، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: دارالفکر.
 ۹. تستری، قاضی نورالله مرعشی، ۱۴۰۹ق، إحقاق الحق وازهاق الباطل، قم: آیه الله مرعشی نجفی.
 ۱۰. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۳ش، غرر الحکم ودرر الکلم، شرح: جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح: جلال محدث حسینی ارموی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۳ش، *الفارغات*، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۲. جعفری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۰ش، *پرتوی از نهج البلاغه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ ق، *الصحاح*، مصحح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۲ش، *جمال دولت محمود*، چاپ دوم، تهران: نشر دریا.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. ذاکری، علی اکبر، ۱۳۸۶ش، *سیمای کارگزاران علی ابن ابی طالب (علیه السلام)*، قم: بوستان کتاب.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۸. رسول زاده، سید اسماعیل، ۱۳۹۴ش، *زندگانی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
۱۹. رسول زاده، سید اسماعیل، ۱۳۸۵ش، *حکومت عدالتخواهی علی ابن ابیطالب (علیه السلام)*، قم: انتشارات یاسین.
۲۰. رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۷۸ش، *غررالحکم و درر الکلم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. ساعدی، محمدباقر، ۱۳۷۴ش، *فضائل پنج تن (علیهم السلام) در صحاح شش گانه اهل سنت*، قم: فیروزآبادی.
۲۲. سبحانی، جعفر، ۱۳۹۴ش، *فروع ولایت*، تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام).
۲۳. سبحانی، جعفر، بی تا، *الالیهات علی هدی الکتاب و السنه و العقل*، قم: مرکز العالی للدراسات الاسلامیه.
۲۴. شریفی، احمد حسن، ۱۳۸۸ش، *آئین زندگی*، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
۲۵. صدوق، محمدبن بابویه، ۱۳۸۰ش، *علل الشرایع*، ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، چاپ اول، قم: انتشارات مؤمنین.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۸. طریحی، فخرالدین محمد، ۱۳۹۳ ش، *مجمع البحرين*، تهران: مهرطاهر.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذيب الأحكام*، مصحح خراسان سیدحسن الموسوی، طهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۰. عاملی، حر محمد بن حسن، ۱۹۹۱ م، *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *العین*، تصحیح: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجرة.
۳۲. قرشی، باقرشریف، ۱۴۲۳ ق، *موسوعة الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (علیه السلام)*، قم: مؤسسه الكوثر.
۳۳. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۶۷ ش، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۴. کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، *کنز الفوائد*، تحقیق: عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۶. لنکرانی، فاضل، ۱۳۸۵ ش، *آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)*، چاپ هشتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳ ش، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، طهران: اسلامیة.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۳ ش، *میزان الحکمه*، چاپ دوم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۲ ش، *دانشنامه علوی*، قم: دارالحديث.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۱ ش، *سیاست نامه امام علی (علیه السلام)*، قم: دارالحديث.
۴۱. محمودی، محمدباقر، ۱۳۷۶ ش، *نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغه*، طهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، طهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ ش، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ ش، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.

۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۳ش، *جاذبه و دافعه امام علی (علیه السلام)*، چاپ نوزدهم، تهران: صدرا.
۴۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الجمل والنصرة لسيد العترة في حرب البصرة*، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *کتاب پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، *وقعة صفین*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: المؤسسة العربية الحديثة.
۴۹. ناظم زاده قمی، سیداصغر، ۱۳۹۲ش، *تجلی امامت، تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۰. نراقی، ملامحمد مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، بیروت: اعلمی.
۵۱. هروی، ابوعبید قاسم بن سلام، ۱۳۹۶ ق، *غریب الحدیث*، بیروت: دارالکتب العربی.

مقالات

۵۲. امین ناجی، محمدهادی، قاضی زاده، کاظم، بهنام، غلامرضا، ۱۳۹۵ش، «روش های مبارزه امام علی (علیه السلام) با انحراف های اجتماعی در نهج البلاغه»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های نهج البلاغه*، شماره ۵۱، صص ۱۲۱-۱۰۳.
- زیوری، معصومه، نوری، هادی، غلامی، محمدرضا، قاسمی روشن، ابراهیم، ۱۳۹۹ش، «تحلیل محتوای قیاسی رابطه دینداری و عدالت اجتماعی در نهج البلاغه»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال هشتم شماره ۳۲، صص ۶۰-۴۱.